

**ابتدای زندگی را باید مدیریت کنند**

نگرش آقای احمدی به زندگی، آن قدر متفاوت است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. او معتقد است قهرمانی و موفقیت باید در هر زمینه‌ای باشد، اما مهم‌تر از هر چیزی، انسان باید قهرمان زندگی خودش باشد. برای همین با تمام علاقه‌ای که به ورزش و ورزشکار بودن دارد، پسرانش را در ۱۹ و ۲۴ سالگی داماد می‌کند تا ابتدای زندگی خودشان را مدیریت کنند و بعد در شاخه‌های دیگر رشد کنند. او می‌گوید: «خودم در سن ۲۱ سالگی ازدواج کردم و زمانی که به دنبال یادگیری ورزش و رشد در این مسیر بودم، ۲ فرزند داشتم. ازدواج مانعی برای پیشرفت نیست، بلکه در این مسیر، داشتن همسری خوب که همراهت باشد هم نعمتی است که خواستم پسرانم از آن بی‌نصیب باشند.»

**کارآفرینی برای ۲۰ خانواده**

سید عظیم احمدی، بازنشسته آموزش و پرورش است. او می‌گوید: «تمام خانواده ما درآمدشان از ورزش است.

به جرئت می‌توانم بگویم ۷۰ درصد لباس‌های رزمی را ما تولید می‌کنیم. خودم فرهنگی هستم و در هنرستان تدریس می‌کردم. پسرها که بزرگ شدند به خاطر کسب و کار، به دنبال تولید لباس‌های رزمی و فروش لوازم رزمی رفتیم و از سال‌های ۷۴ تا ۷۵ جدی‌تر در این راه گام گذاشتیم. اکنون برادرانم هم در این رشته آمده‌اند. لباس‌ها را برش می‌زنیم و به خانواده‌هایی که با آن‌ها ارتباط داریم و می‌خواهند همکاری کنند می‌دهیم تا بدوزند و با این کار برای ۲۰ خانواده، کارآفرینی کرده‌ایم. اگر دولت من را در این مسیر همراهی کند، می‌توانم برای خانواده‌های زیادی شغل ایجاد کنم.»

**ترویج فرزندآوری**

کارهای آقای سیدعظیم احمدی به این جا ختم نمی‌شود. او خانواده‌دوست است و هرکاری که بتواند برای خانواده‌اش انجام می‌دهد. آقای احمدی با خنده می‌گوید: «خودم سه فرزند دارم؛ به عروس‌هایم هم گفته‌ام که فرزند اول را بیاورید، یک میلیون تومان، فرزند دوم، دو میلیون تومان و فرزند سوم، پنج میلیون تومان به شما می‌دهم. برای دوفرزند اولشان داده‌ام و اکنون هم که عروس بزرگم فرزند سومش در راه است، حتماً برای این یکی هم به قولم عمل خواهم کرد.»

**همه ورزشکار شدند به جز مادر خانواده**

تمام خانواده و بستگان احمدی ورزشکار شدند، به غیر از یک نفر که علاقه چندانی به ورزش‌های رزمی ندارد. بی‌علاقگی مادر خانواده به دلیل خاطراتی است که او از دوران مسابقات کشتی حرفه‌ای آقای احمدی به یاد دارد. صدماتی که مجبور شد کرد چند روزی از شوهرش پرستاری کند. زهرآبادیانی، مادر خانواده، مدیر آموزشگاه آرایشگری است و او هم با تمام مسئولیتی که به عنوان مادر، همسر و یک شاغل دارد، بهترین حامی خانواده‌اش در عرصه ورزش است.

**شغلان هم ورزشی شد**

مگر می‌شود پدر، ورزشی باشد و بچه‌ها وارد عرصه ورزش نشوند. محمدعلی ۳۵ ساله، پسر بزرگ خانواده احمدی، از همان دوران کودکی ورزش و هنرهای رزمی را شروع کرد. او می‌گوید: «ما خانواده‌ای رزمی‌کار و ورزشکار هستیم. هم در عرصه تجارت ورزش و هم در ورزش‌های رزمی فعالیت می‌کنیم. در حال حاضر دان ۵ جودو و دان ۴ کاراته و دان ۴ و شورو دارم. از ۲۱ سالگی به عرصه مربیگری آمده‌ام.

**عروس‌ها هم بی‌نصیب نماندند**

سیده محبوبه سخدری، عروس بزرگ خانواده احمدی، از زمان ازدواج به ورزش‌های رزمی وارد شده است. او در کاراته دای‌وی کمر بند مشکی دارد. ابتدا شاگرد پدر شوهرش بود و بعد از مدتی، همسرش به او آموزش می‌داد. او دوفرزند دارد؛ دخترش تکواندو کار می‌کند و پسرش هم همراه پدر به سالن می‌رود و هنرهای پدر را می‌آموزد. خانم سخدری می‌گوید: «تصور می‌کنم ژن این خانواده، ورزشی است و چه بخواهیم چه نخواهیم فرزندان ما هم به سمت ورزش می‌روند. من وظیفه دارم این استعداد را در آن‌ها تقویت کنم و تا جایی که توان داشته باشم در این مسیر به خانواده‌ام یاری می‌رسانم.» فریده خاکشور، دیگر عروس خانواده احمدی هاست، او هم به ورزش علاقه دارد. می‌گوید: «ورزش آدم را جذب می‌کند. ابتدا با همسرم بوکس کار می‌کردم، بعد از آن ابروییک و حالا هم فیتنس کار می‌کنم. این همکاری سبب می‌شود رابطه‌ها صمیمی‌تر شود. کنار هم که هستیم درباره کارمان صحبت می‌کنیم و فرصتی برای حرف‌های بی‌پایان نداریم.» او هم دویسر دارد که همراه پدر به سالن می‌روند و هنر خانوادگی‌شان را می‌آموزند.

**ورزشکار و آرایشگر**

عروس‌های خانواده احمدی به غیر از ورزش، هنرهای دیگری هم دارند. آن‌ها ورزش و هنرهای رزمی را از پدر شوهر و همسرانشان آموخته‌اند، اما در کنار آن، از همان ابتدا هنر آرایشگری را هم از مادر شوهرشان یاد گرفتند. آن‌ها اکنون در کنار هم در سالن آرایش کار می‌کنند. فرقی نمی‌کند خودشان باشند یا فرد دیگری، هر کس که بخواهد با آن‌ها هم‌نشینی کند، کم‌کم از آن‌ها می‌آموزد که وقت طلاست و باید قدر آن را دانست.

**ورزش در خانواده مازن و مرد ندارد**

زینب احمدی، تنها دختر خانواده است. او هم از کودکی ورزش را آغاز کرده و همراه پدر و برادران مسیرش را ادامه داده است. زینب، علاوه بر مربیگری رشته‌های رزمی، ابروییک کار می‌کند و چندین مقام هم کسب کرده است. او از رابطه استاد و شاگردی خودش و پدرش برایمان تعریف می‌کند و می‌گوید: «ورزش ما رابطه نزدیک‌تر و صمیمی‌تری با پدر داشته باشیم. او در ورزش استاد ماست و در آموزش هم خیلی جدی و مهربان است. وقتی آموزش می‌دهد طوری با ما کار می‌کند که یاد بگیریم حریف مقابل مادر مبارزه پدر یا مربی نیست. او می‌گوید میدان مبارزه، شوخی نیست. برای همین نیاز است که در آموزش، مقداری خشن‌تر رفتار کند.» البته این را هم باید بگویم که داماد خانواده احمدی هم فردی هنری است ولی هنوز به هنرهای رزمی وارد نشده است. او می‌گوید: «ارتباط داشتن با یک خانواده ورزشکار، روحیه زندگی من را بیشتر و شادتر می‌کند.»

